

کتاب دانیال — شماره بیست و یکم

به اندازه

Jeff Pippenger

2023-12-16

ما در حال بررسی باب بیست و هفتم اشعیا هستیم، زیرا این باب زمینه ابواب بعدی اشعیا را فراهم می‌سازد. آن ابواب بعدی، باران آخر را به عنوان روش‌شناسی درست کتاب مقدسی معرفی می‌کنند. این روش‌شناسی، هنگامی که شناخته و به کار گرفته شود، پیام نبوی‌ای را آشکار می‌سازد که اگر پذیرفته شود، تجربه‌ای متناظر پدید می‌آورد.

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، سرودی که باید برای قوم پیشین عهد خدا، که همان قوم ادونتیست‌های روز هفتم هستند، سروده شود این است که آنان به عنوان قوم خدا کنار گذارده می‌شوند، زیرا میوه‌هایی را که خدا قصد داشت تاکستان او به بار آورد، به بار نیاورده‌اند. این سرود می‌بایست بر رابطه عهد مبتنی باشد؛ رابطه‌ای که به وسیله تاکستانی که خدا کاشته بود و نیز به وسیله رد کردن سنگ لغزش در سال ۱۸۶۳ از جانب ایشان نمایان شده بود. آنان در سال ۱۸۵۶ لاودکیه شده بودند، و خدا به مدت هفت سال، یا «هفت زمان»، یا دو هزار و پانصد و بیست روز، طالب ورود بود، اما آنان در سال ۱۸۶۳ در را به روی او بستند.

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آنان در دسته‌ها بسته می‌شوند تا پیشاپیش برای آن زمان آماده گردند که در قانون یکشنبه به طور کامل از دهان او بیرون افکنده شوند. پیامی که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باید برای ادونتیسم سروده شود، پیام لائودیکیه است؛ همان پیام تاکستان که سنگ لغزش را در بر دارد، سنگی که هر کس را که از «دیدن» و «چشیدن» آن سنگ گران‌بها سر باز زند، درهم می‌شکند. وعده‌ای که در بخش اشعیا به لائودیکیان داده شده، این است که هر ادونتیستی که برگزیند این هشدار نهایی را بپذیرد، هنوز وقت دارد که به «قدرت» مسیح «تمسک جوید، تا» بتواند «با» مسیح «صلح کند»، زیرا مسیح هنوز مایل است که «با» ایشان «صلح کند». اما در فریاد نیمه شب، درست اندکی پیش از قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، آن فرصت برای همیشه پایان می‌یابد.

در بازه زمانی‌ای که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، خدا وعده داد که آنان را که «در زمان گذشته قومی نبودند»، که «ریشه‌ای از زمین خشک» بودند، وادارد که «ریشه یسویانند»، «شکوفه آورند و جوانه زنند، و روی جهان را از میوه پر سازند.» آنچه سبب می‌شود ریشه یسوی شکوفه آورد و جوانه زند، باران آخر است؛ زیرا آن ریشه‌ای که باید شکوفه آورد و جوانه زند، از نظر نبوی مقدر شده است که همان علمی باشد که برافراشته می‌شود، و آن علم، ریشه یسوی است.

و در آن روز، ریشه‌ای از یسوی برپا خواهد شد که به عنوان علمی برای قوم‌ها خواهد ایستاد؛ امت‌ها او را خواهند طلبید، و آرامگاه او پر جلال خواهد بود. اشعیا ۱۱:۱۰.

باران آخر سبب شد که ریشه یسوی از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز به شکوفه دادن و جوانه زدن کند، و در قانون یکشنبه نزدیک الوقوع، آن ریشه تمامی زمین را از میوه پر خواهد ساخت. قانون یکشنبه در اشعیا باب بیست و هفت همان تاریخ تدریجی‌ای است که در باب‌های یک تا سه کتاب دانیال نیز به تصویر کشیده شده است. باران آخر، هنگامی که امت‌ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خشم آمدند، با رها شدن و سپس مهار فوری اسلام وای سوم، آغاز به باریدن خفیف کرد.

«آغاز آن زمان تنگی» که در اینجا ذکر شده است، اشاره به زمانی ندارد که بلاها شروع به ریخته شدن خواهند کرد، بلکه به دوره‌ای کوتاه درست پیش از ریخته شدن آنها اشاره دارد، در حالی که مسیح در قدس است. در آن زمان، هنگامی که کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود، تنگی بر زمین عارض خواهد شد، و امت‌ها خشمگین خواهند بود، با این حال مهار خواهند شد تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی از حضور خداوند، خواهد آمد تا به آواز بلند فرشته سوم قدرت ببخشد و مقدسان را برای ایستادگی در آن دوره‌ای آماده سازد که هفت بلای آخر فرو ریخته خواهند شد.» Early Writings, 85.

در این بخش، خواهر وایت روشن می‌سازد که دوره‌ای کوتاه وجود دارد که در آن نجات هنوز گشوده است. «زمان تنگی» که او بدان می‌پردازد، از زمان تنگی عظیم متمایز است؛ زمانی که با بسته شدن کامل در آزمون آغاز می‌شود. در ادونتیسیم، در نسبت با زمان تنگی عظیمی که هنگامی آغاز می‌شود که میکائیل برمی‌خیزد، به درستی از آن با عنوان «زمان تنگی کوچک» یاد می‌شود. «زمان تنگی کوچک» نمایانگر دوره‌ای است که در آن ویرانی ملی با قانون یکشنبه‌ای نزدیک‌الوقوع آغاز می‌شود و تا بسته شدن در آزمون ادامه می‌یابد.

در تاریخ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه، تطهیر و داوری نهایی ادونتیسیم به مثابه رخدادی در خلال «پاشیده شدن» باران آخر به تصویر کشیده شده است. آن دوره‌ای که در آن باران آخر، که همان «تازه‌شدگی» نیز هست، به صورت «پاشیده شدن» آغاز می‌شود، اما تا زمان قانون یکشنبه به ریزش کامل پیش می‌رود. در آن دوره، که با زمانی آغاز می‌شود که اسلام وای سوم ملت‌ها را به خشم می‌آورد، باران آخر شروع به باریدن می‌کند، و برخی باران آخر را تشخیص نمی‌دهند. برخی درمی‌یابند که چیزی در حال وقوع است، اما در نمی‌یابند که آن چیست، و خود را در برابر آن آماده می‌سازند.

«بسیاری تا حد زیادی در دریافت باران نخستین کوتاهی کرده‌اند. آنان همه برکاتی را که خدا بدین سان برای ایشان فراهم ساخته است، به دست نیاورده‌اند. انتظار دارند که این کمبود به وسیله باران آخر جبران شود. هنگامی که غنی‌ترین فراوانی فیض عطا گردد، قصد دارند دل‌های خود را بگشایند تا آن را بپذیرند. آنان مرتکب اشتباهی هولناک می‌شوند. کاری که خدا با بخشیدن نور و معرفت خویش در دل انسان آغاز کرده است، باید پیوسته ادامه یابد. هر فرد باید ضرورت شخصی خود را دریابد. دل باید از هر آلودگی تهی شود و برای سکونت روح پاک گردد. شاگردان نخستین با اعتراف و ترک گناه، با دعای جدی و با وقف خویشتن به خدا بود که برای فروریختن روح‌القدس در روز پنطیکاست آماده شدند. همان کار، اما در درجه‌ای بیشتر، اکنون نیز باید انجام شود. آنگاه عامل انسانی فقط می‌بایست برکت را درخواست کند و منتظر بماند تا خداوند کاری را که درباره اوست کامل سازد. این خداست که کار را آغاز کرده، و او کار خود را به انجام خواهد رساند و انسان را در عیسی مسیح کامل خواهد ساخت. اما نباید از فیضی که به وسیله باران نخستین نمود یافته است غفلت شود. فقط کسانی که مطابق نوری که دارند زندگی می‌کنند، نور بیشتری خواهند یافت. مگر آن‌که هر روز در تجسم فضایل فعال مسیحی پیشرفت کنیم، ظهورات روح‌القدس را در باران آخر تشخیص نخواهیم داد. ممکن است آن بر دل‌های اطراف ما فرو ببارد، اما ما نه آن را تشخیص خواهیم داد و نه دریافت خواهیم کرد.» شهادت‌ها برای خادمان، 506، 507.

باران اخیر اکنون در حال باریدن است و کسانی هستند که آن را تشخیص می‌دهند و بنابراین آن را دریافت می‌کنند، و کسانی نیز هستند که آن را تشخیص نمی‌دهند و از این رو آن را دریافت نمی‌کنند. باران اخیر باید شناخته شود تا دریافت گردد. باران اخیر صرفاً یک تجربه نیست؛ بلکه تجربه‌ای است که به وسیله پیامی پدید می‌آید، اما آن پیام فقط هنگامی می‌تواند دریافت شود که برای اثبات آن، روش‌شناسی درست به کار گرفته شود. بدون تشخیص روش‌شناسی‌ای که پیام باران اخیر را استوار

می سازد، فہم درس های نبوی ای کہ در عروج و سقوط پادشاہی های کہ در کتاب های دانیال و مکاشفہ بہ تصویر کشیدہ شدہ اند، نمایان گردیدہ اند، عملاً ناممکن است۔

وہ علم جو دنیا کے لیے بلند کیا جاتا ہے، یسعیاہ اُس کی پہچان ”یسی کی جڑ“ کے طور پر کراتا ہے، اور باب ستائیس میں جو ”یعقوب سے آتے ہیں“ وہ ”جڑ پکڑتے“ ہیں۔ جو ”یسی کی جڑ“ ہیں، وہیں اُن کی پہچان ”اسرائیل“ کے طور پر بھی کرائی گئی ہے، اور وہی ہیں جو پہلے کھلتے اور کونپلیں نکالتے ہیں، اور پھر اُس کے بعد دنیا کو پھل سے بھر دیتے ہیں۔ فطرت کے قوانین نبوت کے قوانین کے منافی نہیں، کیونکہ فطرت اور نبوت دونوں کا پیدا کرنے والا ایک ہی شارع قانون ہے۔ اس سے پہلے کہ کوئی پودا پھل لائے، لازم ہے کہ وہ پہلے خوابیدگی سے باہر آئے، جیسا کہ کونپلوں، اور پھر شگوفوں سے ظاہر ہوتا ہے۔ روحانی اسرائیل، جو ”یسی کی جڑ“ ہے، بارش کے ایک تدریجی انڈیلاؤ کو حاصل کرتا ہے۔ یہ ایک ”چھڑکاؤ“ سے شروع ہوتا ہے اور پھر ایک کامل انڈیلاؤ تک پہنچتا ہے، جب دنیا اُس پھل سے بھر جاتی ہے جو اُس علم کے وسیلہ سے پیش کیا جاتا ہے۔

در باب بیست و ہفتم اشعیا، نقطۂ آغاز باریدن باران بہ صورت پاشیدہ چنیں ترسیم شدہ است کہ ہنگامی رخ می دہد کہ جوانہا «می شکفد»۔ ہنگامی کہ نخست «می شکفد»، باران چنیں معرفی می شود کہ «بہ اندازہ» فرو ریختہ می شود۔ «بہ اندازہ، چون می شکفد»۔ در یازدہم سپتامبر ۲۰۰۱، باریدن پاشیدہ باران آخر «بہ اندازہ» آغاز بہ فرو ریختن کرد، زیرا در آن زمان گندم و کرکاس، یا دانایان و نادانان، ہنوز با یکدیگر آمیختہ بودند۔

»او روح خدا کی عظیم بارش، جو اپنی جلال سے ساری زمین کو منور کر دے گی، اُس وقت تک نہ آئے گی جب تک ہمارے پاس ایسا روشن خیال لوگ نہ ہوں جو تجربہ سے جانتے ہوں کہ خدا کے ساتھ مل کر کام کرنے والے ہونے کا کیا مطلب ہے۔ جب ہم مسیح کی خدمت کے لیے کامل اور پوری دلجمعی کے ساتھ مخصوص ہو جائیں گے، تو خدا اس حقیقت کو اپنے روح کے لیے پیمانہ انڈیلنے کے ذریعہ تسلیم کرے گا؛ لیکن یہ اُس وقت تک نہ ہوگا جب تک کلیسیا کا بڑا حصہ خدا کے ساتھ مل کر کام کرنے والے نہ ہوں۔ خدا اپنے روح کو اُس وقت نہیں انڈیل سکتا جب خود غرضی اور نفس پروری اس قدر نمایاں ہوں؛ جب ایسا مزاج غالب ہو کہ اگر اسے الفاظ میں ادا کیا جائے تو وہ قابیل کے اُس جواب کی صورت اختیار کرے، — ’کیا میں اپنے بھائی کا نگہبان ہوں؟‘ اگر اس زمانہ کے لیے حق، اگر وہ نشانیاں جو ہر طرف گھنی ہوتی جاتی ہیں اور جو گواہی دیتی ہیں کہ سب چیزوں کا انجام نزدیک ہے، اُن لوگوں کی سوئی ہوئی قوتوں کو بیدار کرنے کے لیے کافی نہ ہوں جو دعویٰ کرتے ہیں کہ وہ حق کو جانتے ہیں، تو پھر اُس نور کے مطابق جس نے اُن پر چمکا ہے، تاریکی ان جانوں کو آلے گی۔ اُن کی بے پرواہی کے لیے عذر کی کوئی ادنیٰ سی صورت بھی نہ ہوگی جیسے وہ آخری حساب کے عظیم دن خدا کے سامنے پیش کر سکیں۔ اس بارے میں پیش کرنے کے لیے کوئی وجہ نہ ہوگی کہ انہوں نے کلام خدا کی مقدس سچائی کی روشنی میں کیوں نہ جیا، کیوں نہ چلے، اور کیوں نہ کام کیا، اور یوں اپنے چال چلن، اپنی ہمدردی، اور اپنے جوش کے ذریعہ گناہ کی تاریکی میں ڈوبی ہوئی دنیا پر ظاہر نہ کیا کہ انجیل کی قدرت اور حقیقت ناقابل تردید تھی۔« ریویو اینڈ پیرالڈ، 21 جولائی، 1896۔

اشعیا باب بیست و ہفت تاریخ آغاز باریدن باران آخر را مشخص می کند، آنگاہ کہ ریشہ از زمین خشک جوانہ می زند، و سپس تمام مسیر را تا زمانی کہ زمین از میوہ پر گردد۔ این باب بیان می دارد کہ «بہ اندازہ، چون بیرون آید، با آن محاجہ خواہی کرد»۔ ہنگامی کہ باران آخر بہ عنوان «پاششی» سنجیدہ می شود، خواہر وایت اظہار می دارد کہ باران آخر «ممکن است ہر دل های اطراف ما در حال باریدن باشد، اما ما آن را تشخیص نخواہیم داد یا دریافت نخواہیم کرد»۔

بدین سان، او کلیسائی را مشخص می سازد کہ با کسانی کہ فروریختن باران را تشخیص می دہند و با کسانی کہ آن را تشخیص نمی دہند۔ در عبارت پیشین، او بیان می کند کہ

هنگامی که خدا باران اخیر را بی‌پیمانه فرو می‌ریزد، این نشانگر زمانی است که دیگر هیچ آمیختگی‌ای از باکره‌های دانا و جاهل وجود ندارد، آنجا که می‌گوید: «هنگامی که ما تقدیسی کامل و از صمیم دل برای خدمت مسیح داشته باشیم، خدا این واقعیت را با ریزشی بی‌پیمانه از روح خود به رسمیت خواهد شناخت؛ اما این امر واقع نخواهد شد مادام که بخش اعظم کلیسا همکاران خدا در عمل نباشند.»

حصهٔ بزرگ کلیسیا، یا کلیسیا کی اکثریت، متی پچیس میں نادان کنواریوں کے طور پر ظاہر کی گئی ہے، کیونکہ بائبل اعتبار سے "بہت سے" بلائے گئے ہیں مگر "تھوڑے" برگزیدہ ہیں۔ دانا اور نادان، الہی عنایت کے تحت، آدھی رات کے اُس بحرانی وقت میں جدا کیے جاتے ہیں جو عنقریب آنے والے اتوار کے قانون سے پہلے واقع ہوتا ہے۔ یہ جدائی ایک ایسی قوم پیدا کرتی ہے جو پھر پچھلی بارش میں روح کے کامل انڈیلے کو قبول کر سکتی ہے اور اُس "قوم" میں تبدیل ہو جاتی ہے جو "ایک ہی دن میں پیدا ہوتی ہے"۔ پھر یسی کی جڑ ایک جھنڈے کے طور پر بلند کی جائے گی اور دنیا کو پھل سے بھر دے گی۔

یسعیاہ باب بیست و ہفتم تصریح می‌کند کہ هنگامی که باران آخر در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ «به اندازه» آغاز به ریخته شدن کرد، «تو با آن مباحثه خواهی کرد». «به اندازه، چون آن بیرون آید، یا آن مباحثه خواهی کرد.» رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بی‌درنگ در جهان و در کلیسا به موضوعی برای مباحثه بدل شد. تا همین امروز - بیش از بیست سال بعد - هنوز استدلال‌هایی بر ضد نسبت دادن آن رویدادها به عملی از سوی اسلام وجود دارد، در مقابل این دیدگاه که آن را نوعی توطئهٔ جهانی گرایانه بدانند. مباحثهٔ مرتبط با فرارسیدن پاشیده شدن باران آخر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، اما مباحثاتی که در جهان جریان دارند، آن «مباحثه» ای نیستند که در کلام نبوتی خدا شناسایی شده است. آن مباحثه دربارهٔ پیشگویی‌هایی است مانند آنچه در پی می‌آید.

«در یکی از مواقع، هنگامی که در شهر نیویورک بودم، در شب به من فراخوانده شد تا بناهایی را ببینم که طبقه بر طبقه به سوی آسمان سر برمی‌آوردند. این بناها به عنوان نسوز تضمین شده بودند، و برای جلال بخشیدن به مالکان و سازندگان خود برپا شده بودند. این ساختمان‌ها هرچه بیشتر و بیشتر اوج می‌گرفتند، و در آنها گران‌بهارترین مصالح به کار رفته بود. آنان که این بناها از آن ایشان بود، از خود نمی‌پرسیدند: "چگونه می‌توانیم خدا را به بهترین وجه جلال دهیم؟" خداوند در اندیشه‌های ایشان نبود.»

«اندیشیدم: "کاش کسانی که بدین‌سان دارایی خویش را صرف می‌کنند، می‌توانستند روش خود را آن‌گونه که خدا می‌بیند ببینند! آنان بناهای باشکوه بر هم می‌نهند، اما برنامه‌ریزی و تدبیرشان در نظر فرمانروای جهان چه اندازه نابخردانه است. ایشان با تمامی قوای دل و ذهن در پی آن نیستند که چگونه خدا را جلال دهند. این حقیقت را، که نخستین وظیفه انسان است، از نظر دور داشته‌اند.»

«چون این بناهای سرفراز برافراشته می‌شد، مالکانشان با غروری جاه‌طلبانه شادمان بودند که مالی در اختیار دارند تا آن را در ارضای نفس خویش و برانگیختن رشک همسایگان خود به کار برند. بخش بزرگی از پولی که بدین‌گونه سرمایه‌گذاری کردند، از راه اجاف، از راه در تنگنا نهادن و فرسودن فقیران به دست آمده بود. آنان فراموش کردند که در آسمان، حساب هر معامله تجاری نگاه داشته می‌شود؛ هر دادوستد ناعادلانه، هر عمل فریبکارانه، در آنجا ثبت می‌گردد. زمانی در پیش است که انسان‌ها در فریب و گستاخی خود به نقطه‌ای خواهند رسید که خداوند اجازه نخواهد داد از آن فراتر روند، و خواهند آموخت که بردباری یهوه حدی دارد.»

«صحنه‌ای که سپس در برابر من گذشت، هشدار آتشی مهیب بود. مردان به بناهای بلند و به گمان خود نسوز می‌نگریستند و می‌گفتند: «آن‌ها کاملاً در امان‌اند.» اما این ساختمان‌ها چنان سوختند که گویی از قیر ساخته شده بودند. خودروهای آتش‌نشانی هیچ کاری برای متوقف ساختن ویرانی نتوانستند انجام دهند. آتش‌نشانان قادر به به کار انداختن تجهیزات نبودند.» شهادت‌ها، جلد ۹،

کلیسای ادونتیست بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ کوشید تا بخش‌هایی از این دست را از جهان پنهان سازد. چگونه ممکن است این متن درباره شهر نیویورک و آن ساختمان‌های به‌غایت بلند نباشد که ماشین‌های آتش‌نشانی نتوانستند آتش‌های پس از آن را مهار کنند؟ چگونه ممکن است عبارتی مانند این، از نوشته‌هایی که کلیسای ادونتیست مدعی است به قلم یک نبیه نگاشته شده‌اند، پس از چنین تحقیقی، از بام‌ها اعلام نگردد؟

ورود بارش پراکنده باران آخر، که نشانگر آغاز «مجادله» نبوی است، همچنین شورش نهایی ادونتیسم را مشخص می‌سازد؛ زیرا در همان‌جاست که آنان به‌طور کامل سخنان روشن و ساده کسی را که او را نبیه باقی‌ماندگان می‌شناسند، رد می‌کنند.

«شیطان ... پیوسته امر جعلی را پیش می‌نهد تا مردم را از حقیقت منحرف سازد. واپسین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر گرداند. "هرجا مکاشفه‌ای نباشد، قوم هلاک می‌شوند" (امثال 29:18). شیطان به‌طرزی زیرکانه، به شیوه‌های گوناگون و از طریق عوامل مختلف، عمل خواهد کرد تا اعتماد قوم باقی‌مانده خدا را به شهادت راستین متزلزل سازد.»

«علیه شهادت‌ها نفرتی برانگیخته خواهد شد که شیطانی است. کارکردهای شیطان این خواهد بود که ایمان کلیساها را نسبت به آن‌ها متزلزل سازد، و علت این امر چنین است: شیطان نمی‌تواند راهی به این اندازه هموار داشته باشد تا فریب‌های خود را وارد کند و جان‌ها را در اوهام خویش به بند کشد، اگر هشدارها و توبیخ‌ها و پندهای روح خدا مورد توجه قرار گیرند.»
Selected Messages، کتاب ۱، ۴۸.

بستن نبوتی هم‌گندم و هم‌گرکاس‌ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، یا شورش پر ضد روح نبوت؛ شورش‌هایی که پایان‌ت‌مردی تدریجی را رقم زد که در سال ۱۸۶۳ بر ضد کتاب مقدس آغاز شده بود.

«ما به‌عنوان قومی ادعا می‌کنیم که حقیقت را پیش از هر قوم دیگری بر روی زمین در اختیار داریم. پس زندگی و شخصیت ما باید با چنین ایمانی هماهنگ باشد. روزی درست در پیش روی ماست که در آن پارسایان همچون غله گران‌بها در بافه‌ها برای انبار آسمانی بسته خواهند شد، در حالی که شیربران، مانند علف‌های هرز، برای آتش‌های آخرین روز عظیم گرد آورده می‌شوند. اما گندم و علف‌های هرز "تا زمان درو با هم می‌رویند." شهادت‌ها، جلد ۵، ص. ۱۰۰.

ایدئوتیزم اس درج ذیل عبارت کو کیسه نظرانداز کر سکتا تھا، جو براہ راست یہ بیان کرتی ہے کہ جب یہ عمارتیں گر پڑیں گی تو مکاشفہ اٹھارہ، آیت ایک سے تین، پوری ہو جائے گی؟

«اکنون این سخن از کجا آمده است که من اعلام کرده‌ام نیویورک باید به‌وسیله یک موج جزرومدی نابود شود؟ من هرگز چنین چیزی نگفته‌ام. آنچه گفته‌ام این است که، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی که در آنجا، طبقه بر طبقه، سر برمی‌آورند می‌نگریستم، گفتم: "چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد آنگاه که خداوند برخیزد تا زمین را به شدت بلرزاند! آنگاه کلمات مکاشفه ۱۸-۳ به انجام خواهد رسید." تمام فصل هجدهم مکاشفه هشدار می‌دهد درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما من هیچ نور خاصی درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد ندارم، جز اینکه می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آنجا به‌وسیله گردش و واژگونی قدرت خدا فرو افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده است، می‌دانم که هلاکت در جهان است. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای سترگ فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هراس‌انگیزی آنها فراتر از تصور ماست.» Review and Herald, July 5, 1906.

اس مسئلہ میں جس پر ہم یہاں گفتگو کر رہے ہیں، سوال یہ نہیں ہے کہ آیا یہ اقتباسات 11 ستمبر 2001 کو پورے ہوئے تھے یا نہیں، کیونکہ وہ یقیناً پورے ہوئے تھے؛ بلکہ جس مسئلہ کو ہم زیر بحث لانا چاہتے ہیں وہ وہ "مباحثہ" ہے جو اسی وقت شروع ہونا تھا۔ یہ مباحثہ صحیح یا غلط منہج کے بارے میں تھا۔ ایڈونٹسٹ کلیسیا نے 1863 میں ولیم ملر کے نبوت کی تفسیر کے چودہ اصولوں کو رد کرنا شروع کیا، اور اب وہ اس مقام تک پہنچ چکے ہیں کہ آپ ایڈونٹسٹ الہیات دانوں کی لکھی ہوئی بائبل مطالعہ کی کوئی ایسی کتاب خرید نہیں سکتے جس کی بار بار تائید مرتد پروٹسٹنٹ ازم اور رومن کیتھولک ازم کے الہیات دانوں نے نہ کی ہو۔ 1863 سے 2001 تک، اور آج بھی، وہ منہج جو اصل میں ولیم ملر کے نبوتی تفسیر کے اصولوں میں ممثل تھا، اسے ایک طرف رکھ کر اس کی جگہ رومن کیتھولک ازم اور مرتد پروٹسٹنٹ ازم کے منہج کو اختیار کیا گیا۔ وہ نبوتی "مباحثہ" جو مکاشفہ اٹھارہ، آیات ایک سے تین، کی تکمیل کے وقت شروع ہوا، وہ سچے یا جھوٹے منہج کے بارے میں تھا۔

ما در مقالہ بعدی بہ بررسی «مجادله» باب بیست و ہفتم اشعیا ادامه خواہیم داد۔

«ما باید خود بدانیم کہ مسیحیت از چہ تشکیل می شود، حقیقت چیست، ایمانی کہ دریافت کردہ ایم کدام است، و قوانین کتاب مقدس چیست—قوانینی کہ از عالی ترین مرجع بہ ما دادہ شدہ است.» The 1888 Materials, 403.